[362] لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی أي پادشه خوبان، داد از غم تنهایی * دل بی تو به جان آمد، وقتست که بازآیی در آرزوی رویت، بنشسته بهر راهی * صد زاهد وصد عابد، سرگشته سودایی مشتاقي ومهجوری، دور از تو چنانم کرد * کز دست، نخواهد شد، پایان شکیبایی أي درد توام درمان، در بستر ناکامی * وی یاد توام مونس، در گوشه تنهایی فکر خود ورای خود، در امر تو کی گنجد * کفر است دراین وادی خود بینی وخودرأیی در دایره فرمان، ما نقطه تسلیمیم * لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی گستاخی وپرگویی، تا چند کنی أي " فیض " * بگذر تو ازاین وادی، تن ده به شکیبایی " فیض کاشانی "

_____